

## چکیده

در فقه امامیه و نظام حقوق ایران، شرط، در صحت و لزوم تابع عقد است و اهمیت آن به اندازه ای نیست که در زمره ارکان عقد در آید و بطلان حقوقی یا تعذر عملی اجرای آن به بی اعتباری اصل عقد منتهی گردد. در نظام حقوقی کامن لا شروط قراردادی در پیکره قرارداد وارد می شوند و نقض آنها در صورت اساسی بودن، به مشروط له حق فسخ می دهد. در این نظام بر خلاف نظام حقوقی ما، شروط را بر اساس درجه اهمیت به دو نوع «شرط اساسی» و «شرط غیر اساسی» منقسم نموده اند. اینکه شرط اساسی چگونه شرطی است و معیار تمیز آن از شروط غیر اساسی کدام است موضوعی است که به تفصیل مورد مطالعه حقوقدانان کامن لا قرار گرفته اما به واسطه فقد پیشینه در نظام حقوقی ما دغدغه فقها و استادان حقوق ایران نبوده است. از سوی دیگر، نمی توان این حقیقت را انکار کرد که درجه نوعی اهمیت شرط در دیدگاه عرف یا از منظر متعاقدين در تفسیر قرارداد اثر دارد و هر یک از این اقسام شرط باید از ضمانت اجرای متفاوتی برخوردار گردد تا به آزادی اراده و قصد مشترک متعاملین احترامی شایان و درخور گذارده شده باشد. هر جا که قصد مشترک طرفین، وجود و بقاء شرطی را لازمه تداوم رابطه قراردادی به شمار آورد نباید مشروط له را ملتزم به عقدی نمود که پاره ای از پیکر آن جدا شده اما آنجا که شرط، جنبه فرعی و غیر اساسی دارد پرداخت خسارت نقض شرط به صواب نزدیک تر است و اعطای حق فسخ، آنچنان که در قانون مدنی ما بدان تصریح گردیده است با اصل استحکام معاملات، معارض به نظر می رسد. کمبود این تأسیس سودمند در میان انبوه تقسیم بندی هایی که از شروط ضمن عقد در حقوق ایران به عمل آمده، مشهود و آزار دهنده است و امید می رود که با انجام اصلاحاتی این کمبود جبران گردد.

**کلمات کلیدی:** شرط اساسی، شرط غیر اساسی، ضمانت جرا، حق فسخ قرارداد، شروط قراردادی